Religion and Health

CONTENT ANALYSIS ARTICLE

2021, Vol: 9, No: 1, Pages: 53-64.

Spiritual Health of Heart (Fuʾād) Based on Ethical Approach to the Poems of Hafez

Saleh Kakoee[1], Hesam Ziaee[2*], Mehrali Yazdanpanah[3]

1- Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran
2- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran
3- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

***Corresponding Author:**
Hesam Ziaee
Department of Persian Language and Literature, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

Email:
h.z.1359@qaemIau.ac.ir

Received: 13 Jul 2020
Revised: 18 Feb 2021
Accepted: 24 May 2021

Abstract

Spiritual health is an important dimension that enhances the function of the mind and the well-being of the individual and promotes other dimensions of health. In times of crisis, spirituality is a powerful resource that seriously impedes stress and depression. Fuʾād is an epistemological essence that encompasses a large part of the human mind, soul, and heart. The transparency of this essence could be improved by ethical values. Today, human beings are psychologically and emotionally challenged and unbalanced. The present study aimed to answer the question: "How is spiritual health defined by emphasizing the strengthening of the heart (Fuʾād) based on an ethical approach to the poems of Hafez?" The present descriptive-analytical study has explained the meaning and various types of Fuʾād and its reference to the verses of the Holy Quran in Hafez's poems. Finally, the study concluded that ethical values in Hafez's poems can be listed as an emotional influence in Fuʾād, creation of peace, comfort, sincerity, and refinement in Fuʾād, perception of the purgatory state of man, enlightenment of Fuʾād by Quranic verses, reminiscence of the eternal day pact and invitation to moderation and benevolence.

Keywords: Fouad, Hafez's poems, Moral reading, Spiritual health

▶ **Citation:** Kakoee S, Ziaee H, Yazdanpanah M. Spiritual Health of Heart (Fuʾād) Based on Ethical Approach to the Poems of Hafez. Religion and Health, Spring & Summer 2021; 9(1): 53-64. (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی تحلیل محتوا
دوره ۹، شماره ۱، سال ۱۴۰۰ صفحه: ۶۴-۵۳.

سلامت معنوی فؤاد مبتنی بر خوانش اخلاقی اشعار حافظ

صالح کاکویی[۱]، حسام ضیایی[۲*]، مهرعلی یزدان‌پناه[۳]

۱- دانشجوی دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران
۲- استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران
۳- دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

* مؤلف مسئول:
حسام ضیایی
گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

Email:
h.z.1359@qaemIau.ac.ir

دریافت: ۲۳ تیر ۱۳۹۹
اصلاحات: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹
پذیرش: ۰۳ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

سلامت معنوی بعد مهمی است که کارکرد ذهن و فؤاد فرد را تقویت می‌کند و باعث ارتقای سایر ابعاد سلامت می‌شود. در زمان بروز بحران‌ها، معنویت منبع قدرتمندی است که مانعی جدی در مقابل فشارهای روانی و افسردگی ایجاد می‌کند. فؤاد بخش وسیعی از ذهن، روح و قلب انسان را فرامی‌گیرد و در واقع گوهر معرفت‌ساز است که به مدد ارزش‌های اخلاقی می‌توان بر شفافیت این گوهر افزود. امروزه انسان از نظر ذهنی و قلبی دچار چالش و عدم توازن شده است. این پژوهش به‌منظور پاسخگویی به این پرسش که «سلامت معنوی با تأکید بر تقویت فؤاد بر اساس خوانش اخلاقی در اشعار حافظ چگونه تعریف می‌شود» و با روش کتابخانه‌ای، با نگاه تحلیلی در اشعار حافظ انجام شده و معنای معنویت، خوانش، فؤاد و انواع آن و ارجاع آن به آیات قرآن کریم را تبیین کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ارزش‌های اخلاقی که در اشعار حافظ بازتاب وسیعی دارند، عبارت‌اند از: رسوخ عاطفی در فؤاد، ایجاد آرامش، ایجاد تعقل در فؤاد، اخلاص فؤاد، پالایش فؤاد، درک مقام برزخی انسان، نورانیت فؤاد با آیات قرآنی، یادآوری پیمان الستی دعوت به اعتدال و احسان و ... .

واژه‌های کلیدی: اشعار حافظ، سلامت معنوی، خوانش اخلاقی، فؤاد

◄ **استناد:** کاکویی، صالح؛ ضیایی، حسام؛ یزدان‌پناه، مهرعلی. سلامت معنوی فؤاد مبتنی بر خوانش اخلاقی اشعار حافظ. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۴۰۰؛۹(۱): ۶۴-۵۳ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

مقدمه

۱. بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق

بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization: WHO) در سال ۱۹۹۸ سلامتی عبارت است از: رفاه کامل فیزیکی، روانی، معنوی و اجتماعی و نه فقط نبود بیماری یا ناتوانی (۱). سلامت معنوی را حس متصل‌بودن، هماهنگی بین خود و طبیعت و وجودی متعالی از طریق یک فرایند رشد پویا و منسجم و دست‌یافتنی تعریف کرده‌اند (۲). سلامت معنوی از مفاهیم بنیادین در درمان بیماری‌های مزمن و ارتقای سلامت عمومی افراد است که سبب یکپارچگی دیگر ابعاد سلامتی می‌شود (۳). سلامت معنوی از دیدگاه اسلام در واقع ارتباط و اتصال معنوی انسان با خالق است که زمینه‌ساز آرامش قلبی است و انسان را از اضطراب، دل‌نگرانی و تشویش رها می‌کند و به امنیت روانی می‌رساند. در قرآن و روایات ائمه‌اطهار علیهم‌السلام از سلامت معنوی با عباراتی چون سکینه و اطمینان قلبی یاد شده است (۴).

سلامت معنوی از ابعاد مهم سلامت انسان است و به‌طورکلی ارتباط هماهنگ و یکپارچه‌ای را بین نیروهای درونی فراهم و به ایجاد ثبات در زندگی، صلح، تناسب، هماهنگی، احساس ارتباط نزدیک با خویش، خدا، جامعه و محیط می‌انجامد. سلامت معنوی یکپارچگی و تمامیت فرد را تعیین می‌کند (۵). سلامت معنوی بعد مهمی از سلامت است که کارکرد ذهن و فؤاد فرد را تقویت می‌کند و باعث ارتقای سایر ابعاد سلامت می‌شود. در زمان بروز بحران‌ها، معنویت منبع قدرتمندی است که مانعی جدی در مقابل فشارهای روانی و افسردگی ایجاد می‌کند (۲). سلامت معنوی دربردارنده مؤلفه‌های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی است. انسان معنوی از اندیشه یا تعقل ویژه نسبت به خدا، انسان، خلقت و رابطه متقابل آن‌ها برخوردار است؛ تعقلی که پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است. همه زندگی چنین فردی جهت‌گیری الهی می‌یابد، از حالات معنوی ویژه‌ای چون حب به خداوند، دگردوستی، توکل و شرح صدر برخوردار می‌شود و از سلامت جسمی و روانی بیشتری بهره می‌برد (۶).

فؤاد بخش وسیعی از ذهن، روح و قلب انسان را فرامی‌گیرد (۷). در واقع گوهر معرفت‌ساز است و به مدد ارزش‌های اخلاقی می‌توان بر شفافیت این گوهر افزود. از طرف دیگر، «خوانش» یکی از مسائل مهم در تأویل و دریافت متن است؛ پژوهش حاضر به بررسی خوانش‌های اخلاقی در اشعار حافظ و تأثیر آن بر سلامت معنوی انسان توجه دارد.

درآثار شاعران فکوری هچون ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی و سعدی، اندرز و جملات حکیمانه فراوان دیده می‌شود؛ اما حافظ اگرچه هیچ‌گاه باصراحت پند و اندرز نگفت، می‌توان از اشعارش خوانش اخلاقی کرد. استغنا، آزادگی، وارستگی از علایق مادی، درویشی و رهایی از هرچه که ما را رنج می‌دهد یا خشنود می‌سازد، در کلامش دیده می‌شود. «حافظ آینه خواهش‌های پنهانی ماست؛ اتصال قوی و ناگسستنی با تاریخ، با اخلاق، دیانت و فرهنگ ما دارد» (۸). ضرورت انجام پژوهش حاضر این است که امروزه انسان از نظر اخلاقی و رفتاری دچار چالش‌هایی شده است که سلامت معنوی او را تهدید می‌کند. با پرداختن به ارزش‌هایی چون آزادگی، بی‌نیازی، امیدواری، بلندهمتی، اعتدال و ... ذهن و فؤاد را می‌توان از آلودگی رهایی بخشید. به همین دلیل، پژوهش حاضر به‌منظور بررسی اثرگذاری ارزش‌ها بر گوهرهای عرش الهی یعنی فؤاد، قلب، ذهن و ... انجام شده است. برای تبیین اهداف ابتدا به ارزش «معنویت»، «فؤاد» و «خوانش» پرداخته می‌شود.

معنویت بخشی از مدل زیستی-روانی-اجتماعی است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد اعتقادات مذهبی، اشتیاق معنوی، نیایش و اعمال عبادی بر سلامت جسمی و روانی اثرات مثبتی دارد (۹). سلامت روان چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی است و سلامت ذهن، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و شایستگی، وابستگی میان‌نسلی و خودشکوفایی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

توانمندی‌های بالقوه فکری و هیجانی را شامل می‌شود (۱۰). سلامت معنوی ابعاد گوناگونی دارد. در این مطالعه به حیطه سلامت ذهن و فؤاد پرداخته شده است.

واژه فؤاد یکی از مهم‌ترین مفاهیم قرآنی است که نظر و تدبر هر اندیشمند قرآنی را به خود جلب می‌کند. کاربرد این واژه در قرآن کریم ۱۶ مرتبه در ۱۵ آیه است که در تمام آیات به مسائل ایمانی و معنوی توجه شده است. به‌طورکلی به ابعادی از وجود که درگیر مسائل ایمانی است، فؤاد گفته می‌شود. همچنین در قرآن با محور جانشینی، قلب، سکینه، لب و ... به جای فؤاد به کار رفته است (۷). قرآن درباره فؤاد و کارکرد آن می‌فرماید: «*جعل لکم السمع و الابصار و الافئده*» (۱۱) (بقره/ ۲۳۳). بر اساس این آیه، فؤاد در کنار گوش و چشم ابزاری برای کسب معرفت است؛ البته این قرینه به‌تنهایی دلیلی برای ابزار بودن فؤاد نیست؛ چون ممکن است فؤاد خود منبعی برای معرفت باشد (۵). در واقع فؤاد عمیق‌ترین بخش ساختاری انسان محسوب می‌شود. فؤاد انسان چشم و گوش درون اوست؛ نظام ادراکی منحصربه‌فردی که در هر کس به فعلیت نمی‌رسد (۷).

تکرار همنشینی فؤاد با سمع و بصر در سوره اسراء آیه ۳۶، سوره مؤمنون آیه ۷۸، سوره سجده آیه ۹ و سوره ملک آیه ۲۳ بیان شده است. ابزاربودن فؤاد برای تعقل مانند چشم و گوش نیست؛ بلکه فؤاد در تولید معرفت جدیدی دخیل است؛ به این معنی که فؤاد بعد از دریافت یافته‌های حسی، تحلیل داده‌ها و سنجش آن‌ها معرفت جدیدی را تولید می‌کند که می‌توان به آن تعقل گفت. ازاین‌رو می‌توان گفت که فؤاد در عین حال که ابزاری در خدمت ادراک است، در مرحله‌ای بالاتر، منبعی برای تولید علوم و معارف جدید می‌شود (۹). یکی دیگر از ویژگی‌های فؤاد، رؤیت است. اگر فؤاد به این مرحله برسد، دیگر دچار خطا نمی‌شود، بلکه به تعقل و تکامل دست می‌یابد. قرآن در سوره نجم، آیه ۱۱، می‌فرماید: «*ما کذب الفؤاد ما رای*». به‌طورکلی همه مکاتب اخلاقی ازجمله اسلام، مسیحیت، بودیسم و ... در پی پالایش فؤاد و ذهن هستند. در اسلام پالایش فؤاد از مراقبه و پالایش ذهنی بودیسم وسیع‌تر است (۱۲). در بودیسم ذهن یا نفس (Mans) واژه‌ای مقدس است که برای اندیشه، خرد، ماده لطیف روح، خودآگاهی و حافظه به کار می‌رود. در بودیسم کهن ذهن در سرنوشت انسان بسیار اثرگذار بود و گاهی عامل بنیادی به شمار می‌رفت (۱۳). مفسران قرآن برای فؤاد سه حالت قائل شده‌اند که در واقع مراتب فؤاد به حساب می‌آیند:

الف. فؤاد بینا: خالی از زنگار، ریب، کفر و گناه و در واقع بالاترین مرتبه فؤاد است. این مرتبه از آن اولیا، عارفان و مؤمنان است. قرآن کریم درباره این مرتبه فؤاد می‌فرماید: «*أُولَئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَأَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ*» ((۱۱)، مجادله/ ۲۲) «خدا بر دل‌هایشان نور ایمان نگاشته و به روح الهی آن‌ها را مؤید و منصور گردانده است».

ب. فؤاد کور: در حجاب غفلت به سر می‌برد و شایسته درک حقیقت و نور معرفت نیست. در واقع بسیار سخت بینا می‌شود. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «*فَإِنَّهَا لَاتَعْمَی الْأَبْصَارُ وَلَکِن تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ*» (حج/ ۴۶)

پ. فؤاد مشغول: آیه‌ای در این مورد یافت نشده است؛ اما می‌توان گفت که بزرگ‌ترین مانع دریافت حقیقت، مشغول‌بودن ذهن و فؤاد است. تهذیب، تزکیه نفس، سکوت و آرامش درونی زمینه‌ساز حضور فرشته حقیقت و خروج افکار شیطانی است؛ «دیو چو بیرون رود، فرشته درآید». امروزه تهاجم فرهنگی مانع پالایش ذهنی و قلبی جوانان شده است و باید با جایگزینی ارزش‌ها و الگوهای صحیح، میدان را از دشمنان فکری و روانی خالی کرد. ذهن انسان گاهی تحت سیطره اندیشه‌های تاریک قرار می‌گیرد و ناخواسته خود را از اندیشه‌های روشن محروم می‌سازد و تا زمانی که فؤاد از اندیشه‌های تاریک زدوده نشود، نقش فیض الهی نمی‌پذیرد؛ به قول حافظ (۱۴):

"خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات
مگر از نقش پراکنده، ورق ساده کنی"

خوانش عمل هرمنوتیکی است که به کمک آن معنایی که در متن صریحاً حاضر نیست، آشکار می‌شود (۱۵). خوانش اخلاقی در واقع قرائت متن بر اساس ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. در این قرائت،

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

خوانش‌گر بر اساس تأویل فردی در پی کشف صفاتی همچون تواضع، آزادگی، توکل، نیکی، سحرخیزی و ... در متن است. ازآنجاکه شعر حافظ نمونه عالی متن تأویل‌پذیر است، زبان عادت‌ستیز رمزی او در اوج تأویل‌پذیری باعث ساخت معنایی متناقض و خوانش‌های مختلف شده است. تاکنون خوانش‌های عرفانی، فلسفی، زیباشناسانه، روان‌شناسانه، اخلاقی و قرائت مشیع اشعار حافظ انجام شده است. در این پژوهش به قرائت اخلاقی و اثربخشی آن بر تقویت فؤاد خوانندگان پرداخته می‌شود. مقصود از تقویت فؤاد، پالایش، تعقل و تکامل آن است. همچنین باید گفت که تقویت فؤاد بخشی از سلامت معنوی است.

۲. پیشینه پژوهش

در میان مطالعات انجام‌شده، میثم محبی و همکاران در سال ۱۳۹۵ پژوهشی با عنوان «سلامت معنوی در شعر حافظ» در پنجمین کنفرانس روان‌شناسی و علوم اجتماعی منتشر کرده‌اند. در این پژوهش فقط سلامت معنوی از دیدگاه پیر مغان بررسی شده است. در زمینه برداشت اخلاقی از اشعار حافظ منابع محدودی در دسترس است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. «شاعران در زمان عسرت» اثر رضا داوری که اشعار حافظ را اخلاقی تفسیر می‌کند و لذت‌طبی و اخلاقی‌بودن را اندیشه متناقض حافظ می‌داند؛ یعنی حافظ جامع میان هوس‌رانی و عقل و ادب است. اخلاق حافظ میوه درخت علم او است؛ اخلاقی که با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی او در ارتباط است (۱۶).

ب. «نقشی از حافظ» اثر علی دشتی که در آن حافظ را انسان آزاده معرفی می‌کند. او اعتقاد دارد که حافظ درس اخلاق نمی‌دهد، ولی تفکرات فلسفی و نکته‌های اخلاقی و اجتماعی در غزل‌های او دیده می‌شود که ادراک نافذ و غور او را در سراسر زندگی نشان می‌دهد. مهم این است که در اندرز، قیافه واعظ یا معلم اخلاق به خود نمی‌گیرد؛ رفیق مجرب و خیرخواه ما می‌شود و به تخفیف آلام ما می‌کوشد؛ پرستار رئوف و کریمی است که با دست مهربان جراحت ما را می‌شوید و بر آن مرهم می‌نهد (۱۷).

پ. «قرآن و حافظ» اثر صالح کاکویی که علاوه بر اشاره به الهام هنری حافظ از قرآن، به بیان ارزش‌ها و فضایل اخلاقی اشعار حافظ می‌پردازد که شاعر آن را از قرآن کریم وام گرفته است؛ ارزش‌هایی چون صبر، آزادگی، توکل، اعتدال، بیزاری از ریا، دعوت به سحرخیزی و ... . نکات اخلاقی این شاعر به ظاهر ضداخلاق آن‌قدر زیاد است که می‌توان یک کتاب وزین اخلاقی بر اساس آن نوشت (۱۸).

در مطالعات پیشین تا اندازه‌ای به سلامت معنوی در اشعار حافظ توجه شده، اما به سلامت و تقویت فؤاد با رویکرد خوانش اخلاقی پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی شده است تا حد امکان به این خلأ توجه شود تا زمینه‌ای برای مطالعات کامل‌تر فراهم شود.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پژوهش حاضر در آن است که امروزه انسان از نظر ذهنی و قلبی دچار چالش و عدم توازن شده است. انسان امروزی در عین پیشرفت علمی، از مسائل اخلاقی غافل مانده است. به عبارت دیگر، انسان پیشرفته امروزی با چالش‌هایی مواجه شده است که سلامت ذهن و فؤاد او را تهدید می‌کند؛ بنابراین، پرداختن به مسائل اخلاقی یا اندیشه‌های روشن، ذهن و فؤاد را از امور ناپسند خالی می‌سازد؛ بر اثر تمرین و ممارست همراه با تفکر، اندیشه‌های روشن را جایگزین اندیشه‌های تاریک می‌سازد و ذهن و فؤاد را از کوری نجات می‌بخشد و به بصیرت و بینایی می‌افزاید. سلامت معنوی از ابعاد مهم سلامت انسان است که به‌طورکلی ارتباط هماهنگ و یکپارچه‌ای را بین نیروهای درونی فراهم می‌کند و به ایجاد ثبات در زندگی، صلح، تناسب، هماهنگی، احساس ارتباط نزدیک با خویش، خدا، جامعه و محیط می‌انجامد. سلامت معنوی یکپارچگی و تمامیت فرد را تعیین می‌کند (۵).

۴. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع تحلیل محتوا و روش آن گردآوری

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است؛ همچنین از لحاظ نظری می‌توان این پژوهش را در بین مطالعات بنیادی قرار داد. بر اساس پرسش مورد نظر در این پژوهش، داده‌های آن ابتدا با جست‌وجوی کلیدواژه‌هایی مانند قلب، فؤاد و سلامت معنوی در قرآن، اشعار حافظ، کتاب‌ها و مقالات مرتبط در پایگاه‌های اسنادی داخلی و خارجی در راستای هدف پژوهش جمع آوری شد. سپس با توجه به پرسش اصلی تحقیق، به‌صورت منطقی تنظیم و بررسی شد.

یافته‌ها و بحث

۱. رسوخ عاطفی با موسیقی

فرمانروای شعر حافظ موسیقی است؛ وزن، واژه‌ها و آواهای موسیقی‌ساز حافظ، عاطفه‌ساز هم هستند.؛ احساسات خواننده را درگیر و بر ذهن و فؤاد خواننده رسوخ می‌کنند. اگر موسیقی با دردهای مشترک بشر چون عشق، رنج، فقر، آزادگی و ... توأم شود، خواننده را به وادی تهیگی و سبکی روح می‌کشاند. در واقع اوج لذت روانی و وجد عارفانه ذهن و قلب مخاطب با این‌گونه موسیقی حاصل می‌شود. ذهن قبل از آنکه مجذوب معنا شود، اسیر موسیقی اشعار حافظ می‌شود.

امروزه افسردگی، دلزدگی، یأس، خستگی و اضطراب از دردهای مشترک بشریت است که می‌توان با موسیقی معجزه‌آسای قرآن و موسیقی اشعار امثال حافظ آن را درمان کرد. بعضی از موسیقی‌ها بر ذهن بشر کارکرد مبثت دارند؛ یعنی ذهن انسان را تخدیر نمی‌کنند، بلکه باعث آرامش و حتی پویایی آن می‌شوند. انحنای موسیقی اشعار حافظ بر ذهن خواننده خط ممتد نمی‌کشد، بلکه انحنای خاصی است که گفته می‌شود این‌گونه موسیقی ذهن و فؤاد را به مرحله تزکیه یا کاتارسیس می‌رساند (۱۰). حتی ثابت شده که موسیقی بر کاهش فشار خون (سیستولیک و نبض) اثرگذار است (۱۱). در مقابل، بعضی از موسیقی‌های اشعار حافظ، پویا و حیات‌بخش هستند:

"دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید"

"آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت
چهره خندان شمع آفت پروانه شد"

۲. ایجاد آرامش و سکینه

یکی از ویژگی‌های اصلی در افراد دارای سلامت فؤاد، داشتن سکینه و آرامش است. سکینه جانشینی بسیار قوی برای فؤاد مؤمنان است که در معنای آن ثبوت، استقامت، استواری و محکم‌بودن نهفته است؛ این از ویژگی فؤاد مؤمنان است (۷). صبر، فقر، توکل، تسلیم، رضا و سحرخیزی از ویژگی‌های فؤاد مؤمنان است و اشعار حافظ سرشار از مفاهیمی است که باعث آرامش ذهن و سکینه در فؤاد می‌شود. در عصری که تلاطم اندیشه‌های تاریک، سلامت فؤاد و ذهن بشر را تهدید می‌کند، بیان ارزش‌های اخلاقی می‌تواند امیدواری، میانه‌روی و شکیبایی در برابر مشکلات را افزایش دهد و موجب نجات از گرفتاری‌ها شود (۱۸). همچنین دین‌داری و اعتقادات سبب افزایش آرامش، عزت‌نفس و همچنین کاهش استرس، حساسیت، افسردگی، پرخاشگری، وسواس و شکایت‌های جسمانی می‌شود و در مجموع موجب افزایش سطح بهداشت و سلامت روانی افراد می‌شود (۳)؛ برای مثال،

دعوت به فقر:
"دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
کین کرامت سبب حشمت و تمکین من است"
دعوت به توکل:
"تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند"
اظهار نیاز به معشوق:
"میان عاشق و معشوق فرق بسیار است
چو یار ناز نماید، شما نیاز کنید"
دعوت به سحرخیزی:
"هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ
از یمن دعای شب و ورد سحری بود"
بی‌ارزشی دنیا:
"جهان و هر چه در او هست سهل و مختصر بدار
ز اهل معرفت این مختصر دریغ مدار"

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

۳.تعقل و بینایی فؤاد

فؤاد ابزار تعقل است. به‌طورکلی چشم، گوش، قلب و فؤاد گوهرهای عرش الهی و در کسب معرفت دخیل هستند. گوش برای شنیدن خبر، چشم برای دیدن و فؤاد برای تولید معرفت جدید دخیل است. به بیان دیگر، فؤاد بعد از دریافت یافته‌های حسی، تحلیل داده‌ها و سنجش آن‌ها، معرفت جدیدی را تولید می‌کند که می‌توان به آن تعقل گفت. ازاین‌رو، می‌توان گفت که فؤاد در عین حال که ابزاری در خدمت ادراک است، در مرحله بالاتر منبعی برای تولید علوم و معارف جدید می‌شود (۸). فؤاد معنای معرفت‌شناسی دارد؛ این معنا تنها برای انسان به کار رفته است. یکی از معرفت‌هایی که در فؤاد حاصل می‌شود، «رؤیت» است و این رؤیت تنها کارکرد معرفتی است که به فؤاد نسبت داده می‌شود. فؤاد با یافتن این معرفت دچار خطا نمی‌شود. حافظ خوانندگان را به تعقل وامی‌دارد و به خوانندگان القا می‌کند که دو چیز در عالم هستی مرا به اعجاب واداشته است؛ ۱. آسمان ساده بسیار نقش، ۲. اندرون پر از فغان و غوغا (وجدان):

"چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش
زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست"
"در اندرون من خسته دل ندانم چیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست"

وجودشناسی و معرفت‌شناسی با یکدیگر مرتبط هستند و پرسش‌های وجودشناسی درنهایت به معرفت‌شناسی منجر می‌شوند. وجود جدای از معرفت، ممکن نیست (۱۹) و جمله معروف دکارت که می‌گوید: «می‌اندیشم، پس هستم» ناظر به هم‌پیوندی وجود و معرفت است. حافظ همه هستی را روشن می‌بیند و نقش همه چیز را در آینه دل(جام جهان‌نما) جست‌وجو می‌کند. باری قلب عارف، جام جهان‌نماست. آنچه در آینه صافی جلوه واقعی دارد، عکس معشوق است.

"یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد
این همه عکس می و نقش نگارین که نمود"

چنین بیانی درحقیقت نشان می‌دهد بر خلاف اهل مدرسه، او می‌کوشد وجود عالم را در وجود خدا ببیند (۲۰). حافظ مخاطب را به تعقل در خود وامی‌دارد؛ او را برمی‌انگیزد که برای کسب معرفت به یک آینه صیقل‌شده یا فؤاد بینا نیاز دارد. شاید مخاطب با خواندن این اندیشه‌های حافظ به سرای خویشتن بنگرد و گنج عافیت را در خود طلبد.

"مـرو به خانه ارباب بـــی‌مروت دهـــر
که گنج عافیتت در سرای خویش است"

***

"سال‌ها دل طلب جام جم از مـــا می‌کـــرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد"
"گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشـدگان لب دریا می‌کرد"

۴.صدق فؤاد

«*وَ قُلْ رَبِ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ*» (اسرا/۸۰). «ای رسول ما، دعا کن که خدایا، ما را با قدم صدق وارد کن و با قدم صدق خارج گردان.» اساس آموزه‌های قرآن بر پایه اخلاص و صدق است. آفت ریا و سالوس از کفر بیشتر است. قرآن به همان اندازه که از کافران بیزاری می‌جوید، از منافقان هم؛ زیرا کافر با چهره شناخته بر صفوف ایمان حمله‌ور می‌شود، اما ریاکار با دو چهره در پرده، همچون موریانه در حصار دین رخنه می‌کند. حافظ با کسانی که در پناه دین خزیده‌اند، اما دل به دنیا دارند، سخت مبارزه می‌کند (۲۱) و در مقابل، اهل فقر و اخلاص را می‌ستاید. حافظ با زبان رندانه خود درِ خانه تزویر را گل می‌گیرد و با اهل نفاق دائما در ستیز است.

درِ میخانه ببستند خدایا مپسند
که درِ خانه تزویر و ریا بگشایند

اندیشه‌های رندیه حافظ برتر از تصورات عادی ماست. حافظ درد دین دارد و با زبان رندانه خود از ارزش‌های دینی چون صداقت و اخلاص دفاع می‌کند. آنچه حافظ را برای همیشه از رنگِ ریا دور نگه داشته، زبان عادت‌ستیز رمزی او است که با فرهنگ غیرمتعارف دینی، ارزش‌های دینی را شکوفا می‌سازد. در واقع نوعی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

آشنایی‌زدایی می‌کند.

"حافظم در محفلی، دُردی‌کشم در مجلسی
بنگر این شوخی که چون با خلق صنعت می‌کنم"

حافظبودن در محفل و دُردی‌کش بودن در مجلسی دیگر تنها در اندیشه‌های پارادوکسی حافظ می‌گنجد. در اشعار متناقض گونه حافظ دو دسته ابیات به‌وضوح در کنار هم قرار می‌گیرند:

الف) دسته‌ای که قهرمان ما قرآن و ورد سحری می‌خواند و با هُدهُد سلیمان به سرمنزلِ سیمرغ راه می‌یابد و ناب‌ترین مکاشفه را در پرتو باده تجلی صفات به‌دست می‌آورد.

"بی‌خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند
باده از جام تجلی صفاتم دادند"

ب) دسته‌ای دیگر که با لب و رخ ساقی سیمین‌ساق سروسرّی دارد، از مسجد به خرابات رهسپار می‌شود، از صومعه بیزار است و به میکده پناه می‌برد و با دو یار نازک و باده کهن در گوشه چمن به فراغت می‌رسد. حافظ در سفر به میخانه در پناه قهرمانی به نام پیر فرزانه یا پیر مغان خزیده است. پیر حافظ منجی و هدایت‌گر او است (۲۱).

"به پیر میکده گفتم که چیست راهِ نجات
بخواست جامِ می و گفت عیب پوشیدن"

این رندِ آزاده آزاده‌پرست تظاهر به می‌پرستی می‌کند تا دین خود را از آماج ریا و سالوس در امان دارد. در واقع نفی خودپرستی را در پناه می‌پرستی می‌داند.

"به می‌پرستی از آن نقش خود زدم بر آب
که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن"

۵. پالایش فؤاد

سعادت بشر در گرو پرورش تمام استعدادهایی است که در وجود او نهاده شده است. فؤاد به‌عنوان یک امانت الهی در وجود انسان به پرورش و پالایش نیاز دارد. فؤاد به تکامل نیاز دارد. چون باید از حالت بالقوه به فعلیت برسد، سلامت معنوی را حس متصل‌بودن، هماهنگی بین خود، طبیعت و وجودی متعالی از طریق فرایند رشد پویا و منسجم و دست‌یافتنی دانسته‌اند (۲). معمولاً در محور جانشینی، قلب، فؤاد، دل و حتی ذهن به‌جای یکدیگر به کار گرفته می‌شوند. مقام فؤاد در اشعار حافظ بسیار عظیم است؛ گاهی زنگار به خود می‌گیرد و به صیقل و پالایش نیاز دارد و تا زمانی که صاف و صیقلی نشود، توان انعکاس حقیقت را ندارد؛ یعنی به فعلیت نمی‌رسد. پس بشر غفلت‌زده به آن نیاز دارد که به فؤاد خود نظر بیفکند و گرد کدورت، خودخواهی، حسد و کبر از رخسار آن بزداید تا به همان گوهر شفاف معرفت تبدیل شود. حافظ ما را به زدودن غبار از روی گوهر فؤاد دعوت می‌کند و می‌گوید:

"دل که آیینه شاهی است غباری دارد
از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی"

وقتی فؤاد پالایش شد، آن‌گاه نور ایمان در آن متجلی و به جام‌جم یا آینه غیب‌نما مبدّل می‌شود.

"دلی که غیب‌نمای است و جام‌جم دارد
ز خاتمی که از او گم شود چه غم دارد"

حافظ برای اینکه اسرار هستی را دریابد و به احوال صاحبان مال و منال آگاه شود، به دلی آگاه و بامعرفت نیاز دارد که بصیرت لازم را برای رهایی از بلایای روزگار داشته باشد که از آن به آینه سکندر تعبیر می‌کند و می‌گوید:

"آینه سکندر جام می است بنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا"

۶. درک مقام برزخی

شخصیت حافظ در میان زمین و آسمان معلق است؛ از یک طرف روحانی و آسمانی و از طرف دیگر جسمانی و زمینی است. بی‌تردید حافظ تنها کسی نیست که مقام برزخی انسان را کشف کرده است. دین، فلسفه و عرفان اسلامی این مقام را به‌منزله اصل موضوع خویش پذیرفته‌اند و به صور گوناگون به تفسیر آن پرداخته‌اند. اگر مقام برزخی حافظ را درک کرده باشیم، هیچ اصراری بر عرفان محض یا مادی محض بودن حافظ نخواهیم داشت. باید دانست که اشعار حافظ خوانشگران را به چالش معنایی می‌کشاند و مانع از آن است که تأویل‌گران، یک‌سونگرانه اشعار او را قرائت کنند. مقام

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

برزخی حافظ بستر را برای رویکرد دوگانه عرفانی و غیرعرفانی آماده می‌سازد. پس حافظ را باید خاکستری قرائت کرد.

مهم‌ترین عامل در فهم اشعار حافظ، شرایط ذهنی یا افق معنایی تأویل‌گر است؛ به‌طور مثال، احسان طبری، احمد شاملو و مرتضی مطهری هر سه شیفته حافظ هستند، اما هر کدام اندیشه‌های حافظ را با عینک خود تبیین می‌کنند (۲۲). پس مخاطب با خوانش اشعار حافظ درمی‌یابد هر انسانی در مقام برزخ معلق و موجودی است که در میان نور و ظلمت، غرایز وحیانی و شیطانی غوطه‌ور است. به قول روان شناسان، نهاد (Id) که مخزن غرایز است، با ارضای نیازهای حیوانی انسان ارتباط دارد و با اصل لذت عمل می‌کند. نهاد گاهی انسان را در لذت‌های پست و مادی متوقف می‌سازد و او را از لذات واقعی بازمی‌دارد (۲۳). باید در نظر داشت که نهاد با تمام غرایزش دریایی است که نیمش شیرین چون شکر و نیم دیگرش تلخ چو زهر مار است. مهم این است که صاحب آن از کدام نیمه‌اش سیراب شود. (مولوی این مقام را با زبان تمثیلی چنین ترسیم می‌کند:

"بحر را نیمش شیرین چون شکر
طعم شیرین رنگ روشن چون قمر
نیم دیگر تلخ همچو زهر مار
طعم تلخ و رنگ مظلم قیروار" (۲۳)).

صنم‌پرست بودن و با صمد نشستن حافظ بیانگر مقام برزخی اوست:

"گفتم صنم‌پرست مشو با صمد نشین
گفتا به کوی عشق هم این و هم آن کنند"

۷.نورانیت فؤاد با آیات قرآنی

چون فؤاد آن‌جهانی است، برای بازتاب نورانیت خود به نور فیاض نیازمند است و این منبع فیاض و نوربخش، آیات قرآن است. همچنین فؤاد به غذای روحانی نیاز دارد تا بتواند فعلیت خود را اثبات کند. مفاهیم کلیدی قرآن از قبیل عدالت‌پرستی، امانت‌دوستی، نورگرایی، ظلمت‌ستیزی، مساوات‌گرایی، وحدت‌گرایی، تدبّر در آفاق و انفس، تقوا، صلح و دوستی و ... مایه تکامل فؤاد است؛ چراکه قرآن جامع‌ترین راهنمای اندیشه و عمل انسان و جامعه در مسیر پیشرفت و دستیابی به حیات مادی و معنوی همراه سعادت است (۲۴). حافظ با تمام وجود به قرآن دل بسته است. او بدون قرآن، حافظه فرهنگی ما نخواهد بود. آنچه ژرف‌ساخت اشعارحافظ را پربار ساخته، روح قرآن است. روح قرآن بر ذهن و زبان حافظ اثر گذاشته است. فرهنگ ناب ایرانی با رنگ و بوی آیین مغانی با فرهنگ ناب قرآنی درآمیخته شد. آنچه در حافظه قرآنی حافظ خوش درخشیده است، ظرافت و دقت‌نظر او همراه با تدبّر در ژرفای آیات قرآن است و هیچ شاعری چون حافظ نتوانسته است زیرکانه ظرایف هنری و معنای قرآن را در کلام خود به کار بندد.

"ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد
لطایف حکمی با نکات قرآنی"

حافظ کوچک، کتاب بزرگی در سینه دارد که باعث فروغ او و اشعارش شده است. تمام دولت هنری حافظ از دولت قرآن است. فؤاد حافظ با قرآن به دریای جوشان اندیشه و هنر مبدّل شده است. حافظ چون حافظان دین‌فروش و زاهدان ریاکار، قرآن را وسیله‌ای برای کسب منفعت و روزی خود نساخته است. رندمسلکی را بر قرآن‌خوانی همراه با تزویر ترجیح می‌دهد.

"حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران، قرآن را"

فؤاد زمانی با آیات قرآنی نورانی می‌شود یا عروس قرآن زمانی چهره می‌نمایاند که فؤاد از غوغای مادی و تعلقات نفسانی پاک شود.

"عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد
که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا"

۸.یادآوری پیمان الستی

ازآنجاکه فؤاد گاهی دچار غفلت می‌شود و توان رؤیت حقیقت را از دست می‌دهد، به هشدار، تذکر و زنگ بیدارباش نیاز دارد؛ به همین دلیل، حافظ پیمان ازلی و عشق الستی خداوند با ذرّیه انسان را بارها گوشزد

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

می‌کند و این پیمان را به شکل بار امانت، عشق الستی، می الست، روز الست، عهد الست، مست الست، جام الست و ... یادآوری می‌کند. بار امانت برگرفته از آیه شریفه زیر است:

«اِنّا عَرَضنَا الاَمانه علی السَّماواتِ وَ الاَرضِ وَ الجِبالِ فَاَبَیّنَ اَنَ یَحمِلَنها وَ اشَّفقَنَ مِنَها وَ حَمَلَهَا الاَنسانُ اَنَهُ کانَ ظَلوما جَهولا» (احزاب/ ۷۲)

«همانا امانت (عشق/ معرفت) را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردیم و همه از حمل این گوهر سر باز زدند و صدف وجود انسان این مروارید درخشان را در قلب خود جای داده است؛ همانا انسان ظالم و جاهل است.»

امانت از دیدگاه حافظ، عشق ازلی و معرفت الهی است (۲۶). این عشق به علت تکرار به موتیف شعر حافظ مبدل شده است. حافظ قصه عشق را با زبان نامکرر خود بر فؤاد خوانندگان برمی‌خواند:

"آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه کار به نام من دیوانه زدند"

***

"در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد"

***

"من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق
چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست"

پیمان ازلی خدا از ذرّیه انسان و از سابقه پیشین آغاز شده است و تا روز پسین ادامه دارد.

"نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت"

***

"آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد"

به‌طورکلی عشق ازلی تاج سلطانی بر سر آدم می‌نهد و مایه سعادت فؤاد آدمی می‌شود.

"جهان فانی و باقی، فدای شاهد و ساقی
که سلطانیِ عالم را طفیل عشق می‌بینم"

***

"طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری
ارادتی بنما تا سعادتی ببری"

۹.دعوت فؤاد به اعتدال و میانه‌روی

یکی از ارزش‌های برگرفته از قرآن، اقتصاد و میانه‌روی است و قرآن مسلمانان را به اخلاق معتدل و سیرت نیکو دعوت می‌کند. *«وَ کَذلیکَ جَعَلناکُمَ اُمَه وَسَطا لِتَکونوا شُهَداء عَلَی النّاس»* (بقره/ ۱۴۳). می‌فرماید که همچنان شما مسلمانان را به آیین اسلام هدایت کردیم و به اخلاق معتدل و سیرت نیکو بیاراستیم تا الگوی مردم باشید. حافظ در همه کارها به میانه‌روی دعوت می‌کند؛ چون میانه‌روی باعث اعتدال و قوام جامعه می‌شود. شاید میانه‌روی حافظ به‌خاطر زبان رندانه و عادت‌گریز او از جنس دیگر باشد (۱۶). او فؤاد رندان عالم را در فسق و زهد و حتی در باده‌نوشی به میانه‌روی دعوت می‌کند و می‌گوید:

"دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات
مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش"

***

"صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد
ور نه اندیشه این کار فراموشش باد"

۱۰.دعوت فؤاد به احسان و نیکی

قرآن کریم بارها مسلمانان را به احسان دعوت کرده است؛ احسان به والدین، به هم‌نوعان و حتی به خود. *«اِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِکُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»* (اسرا/ ۷). می‌فرماید که اگر نیکی و احسان کردید، به خود کردید و اگر بدی و ستم کردید، باز هم به خود کردید. یکی از ویژگی فؤاد بزرگان این است که هم اهل خیر هستند و هم دیگران را به خیر دعوت می‌کنند. آنچه در این رواق زبرجد برای انسان باقی می‌ماند، نیکی است. نیکی به‌عنوان یک فضیلت و اندیشه روشن زیور فؤاد انسان می‌شود. فؤاد پرورده فؤادی است که فضیلت‌های اخلاقی از قبیل احسان، اعتدال، ایمان، تقوا و ... صفات پایدار او باشند. حافظ درباره ارزش نیکی می‌گوید:

"بدین رواقِ زبرجد نوشته‌اند به زر
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند"

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

نتیجه‌گیری

اشعار حافظ سرشار از ارزش‌های متعالی اخلاقی است که حافظ آن‌ها را از قرآن الهام گرفته است؛ ارزش‌هایی که جامعه امروزی ما به آن نیازمند است. فاصله‌گرفتن از این ارزش‌ها باعث میان‌تهی شدن شالوده اجتماعی و فاصله‌گرفتن از فطرت پاک انسانی می‌شود. یکی از آسیب‌های اجتماعی ما فساد، تزویر، ریا و ... است. با خواندن اشعار حافظ می‌توان ارزش‌های ازیادرفته ازجمله بیزاری از ریا، آزادگی، مناعت طبع، اخلاص، سحرخیزی و ... را برای نسل جوان زنده کرد. خوانش اخلاقی اشعار حافظ بر سلامت معنوی و تقویت فؤاد خوانندگان تأثیر مثبت دارد. تأثیرات این خوانش عبارت‌اند از: رسوخ عاطفی با موسیقی، آرامش قلبی، تعقل و بینایی فؤاد، اخلاص و صدق فؤاد، پالایش فؤاد، درک مقام برزخی، نورانیت فؤاد با آیات قرآنی، یادآوری پیمان الستی و دعوت به اعتدال و نیکی. حافظ فؤاد خوانندگان را به تعقل برمی‌انگیزد، با درک زیبایی هستی و آسمان پرستاره و درون پر از غوغا فؤاد را به کارکرد معرفتی وامی‌دارد، در عین حال به خوانندگان القا می‌کند هر انسانی می‌تواند از دو غریزه انسانی و حیوانی بهره‌مند شود، اما باید مراقب بود غرایز حیوانی او را از لذات واقعی باز ندارد. مقام حافظ در دو ساختار متناقض شکل گرفته است:

"حافظم در محفلی، دُردی‌کشم در مجلسی
بنگر این شوخی که چون با خلق، صنعت می‌کنم"

پیشنهادات

براساس یافته‌های مطالعه حاضر به پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌شود جایگاه فؤاد و کارکرد آن را در ادبیات فارسی تحلیل محتوا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود روان‌شناسان و روان‌پزشکان از یافته‌های این مطالعه برای درمان بیماران به‌عنوان یک روش درمانی (شعردرمانی) بهره گیرند.

حمایت مالی

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

اصل رعایت امانت‌داری منابع در این پژوهش به‌طورکامل رعایت شده است. با توجه به روش انجام این پژوهش (مروری) و نبود آزمودنی در آن، ملاحظات اخلاقی مانند کمترین آسیب احتمالی و رضایت آگاهانه مصداق ندارد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از همکاری صمیمانه اعضای محترم هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر تشکر و قدردانی می‌کنیم.

References

1. World Health Organization. Policies and practices for mental health in Europe, meeting the challenges. Geneva, Switzerland: World Health Organization; 2008.
2. Marashi SA, Savadkouhi S, Mehrabian T, Khademi SZ. Evaluation of the relationship between spiritual health, self-esteem and impulsivity in students of Shahid Chamran University. Journal of Religion and Health. 2015; 3(1):49-56 (Persian).
3. Khakkar S, Jahangiri M, Esmaeil Zadeh SM. A survey of health status and its dimensions in the Islamic teachings. Journal of Religion and Health. 2020; 7(2):68-74(Persian).
4. Maaref M, Farzaneh A. The factors of achieving spiritual health from the perspective of the Qur'an and the Hadith. Insight and Islamic Training. 2017; 14(41):9-40.
5. Siavoshi M, Darrudi M, Novruzieh S, Jamali Nik M, Bordbar R. Effects of prayer on the spiritual health of patients with chronic heart failure. Journal of Religion and Health. 2018; 6(1):29-36 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

6. Marzband R, Zakavi A. Indicators of spiritual health from the perspective of revelatory teachings. Quarterly Journal of Medical Ethics. 2012; 20:99-70 (Persian).
7. Hasanzadeh M. The Semantic of “Fo’ad” in the Holy Quran. Linguistic Research in the Holy Quran. 2016; 5(2):105-14 (Persian).
8. Khorramshahi B. Hafez mind and language. Tehran: Nashr-e-no; 1983. P. 59.
9. Sadock BJ, Sadock V, Ruiz P. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry. 11th ed. Tehran: Arjmnd; 2015. P. 20.
10. Craven R, Hirnle C. Fundamental of nursing: human health and function. 4th ed. Philadelphia: Lippincott & Williams & Wilkins; 2003.
11. Holy Quran. Trans: Naser Makarem Shirazi. Tehran: Dar Al-Quran Publication; 2017.
12. Kakoee S. Psychology according to literature and myth. Sari: Hawjin; 2016. P. 14, 91.
13. Ashtyani S. Mysticism buddhism and jainism: Indian religions. Tehran: Sahami-e-Enteshar; 1998. P. 776.
14. Hafez-Shirazi S. Divan-e-ashaar. Tehran: Peyman; 2008.
15. Palmer R. The science of hermeneutics. Tehran: Hermes; 2019. P. 174.
16. Davari-Ardekani R. Shaeran dar zaman-e-Osrat. Tehran: Porsesh; 2011. P. 108.
17. Dashti A. Naghshi az Hafez. Tehran: Zavar; 2011. P. 115.
18. Kakoee S. Quran and Hafez. Sari: Shelfin; 2011. P. 36-45
19. Zarrinkub A. Az kooche-e-rendan. Tehran: Sokhan; 2008. P. 147.
20. Kakoee S. Analysis of literary theory. Gorgan: Nowroozi; 2019. P. 101.
21. Payandeh H. Short story in Iran. Tehran: Niloofar; 2015. P. 230.
22. Poornamdarian T. Gonshode-ye- Lab-e-darya. Tehran: Sokhan; 2003. P. 2-10.
23. Schultz D. Theory of personality. Tehran: Arasbaran; 2013. P. 114.
24. Molavi J. Masnavi-ye- Maanavi. Tehran: Andisheh; 2010. P. 159.
25. Sanaee-Ghaznavi A. Divan-e-ashaar. Tehran: Asatir; 1984. P. 25.
26. Mortazavi M. Maktab-e-Hafez. Tehran: Toos; 1986 .P. 52.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]